

تحلیل جرائم و مجازات‌های پولی و بانکی در حقوق کیفری ایران

فاطمه افشارمنش

دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

f.afsharmanesh.97@gmail.com

چکیده

بانک‌ها و موسسات اعتباری، مرکز اصلی مبادلات پولی شناخته می‌شوند. تقویت سلامت اداری، ارتقاء کیفی قوانین و کارکرد سازمان‌های کنترل‌کننده و مقابله با گسترش فساد، صرفاً از طریق ایجاد سازگاری میان سیاست‌های کلان نظام اداری کشور و قوانین مرتبط، هماهنگ کردن عملکرد سازمان‌های نظارتی با قوانین نظارتی و کنترلی، و سرانجام محیط‌سازی و تقویت جایگاه مردم در فرایند نظام نظارت، کنترل و پیشگیری میسر است. از این رو متعاقب تصویب و الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) یکی از مهمترین اقدامات قانونی جمهوری اسلامی ایران در مسیر مبارزه با فساد، تصویب قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد بود که از حیث تقنینی نقطه عطفی جامع در مبارزه با فساد تلقی شده که ابعاد مختلف پیشگیری از فساد و مقابله با آن را مدنظر قرار داده و الگوهایی را برای رسیدن به اهداف مربوط به مبارزه همه‌جانبه با فساد ارائه کرده است. بنابراین با توجه به اثرات جبران‌ناپذیری که جرایم بانکی بر بیکره جامعه وارد میکند پیشگیری از این پدیده شوم بسیار لازم و ضروری به نظر می‌رسد از راهکارهای پیشگیری از جرایم بانکی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ایجاد رویکرد مبتنی بر ریسک در سیستم بانکی مبارزه‌ی جدی با پولشویی تجدید ساختار سیستم نظارتی بخش مالی کشور توسعه فن آوری در بانک‌ها.

کلمات کلیدی: فساد، نظام بانکی، جرائم، حقوق ایران.

۱. مقدمه

از نظر اصطلاحی تعاریف گوناگونی از فساد، البته از منظرهای مختلف، توسط سازمان‌ها و نهادها یا صاحب‌نظران، ارائه شده است. از جمله بانک جهانی در سند مکتوبی که منتشر کرده است فساد را سوءاستفاده از منصب عمومی برای نفع شخصی تعریف کرده است (بانک جهانی، ۱۹۹۷، ۸).

بر اساس بند الف ماده ۱ قانون ارتقاء و سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، فساد در این قانون «هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمان که عمدتاً و با هدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیر قانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی و می‌باشد (قانون ارتقاء و سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ۱۳۹۰).

با توجه به پدیده جهانی شدن، گستره ملی و فراملی فساد، مبارزه با این پدیده مذموم و اثرات منفی آن همواره در سطح جهان مورد توجه بوده بنحوی که سازمان های بین المللی متعددی نظیر سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان شفافیت بین الملل، سازمان جهانی مجالس علیه فساد و... از طریق انواع کنوانسیون ها و توصیه ها در جهت کنترل آن اهتمام دارند. نمونه بارز این تلاش ها کنوانسیون جهانی سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا-۲۰۰۳) است که قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در این راستا در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که از حیث تقنینی نقطه عطفی جامع در مبارزه با فساد تلقی شده که ابعاد مختلف پیشگیری از فساد و مقابله با آن را مدنظر قرار داده و الگوهایی را برای رسیدن به اهداف مربوط به مبارزه همه جانبه با فساد ارائه کرده است.

براساس برخی موارد روشن گردیده است که در موارد متعددی به دلیل وجود مشکلات اجرایی، اجرای قانون ارزشمند ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد با موانع جدی مواجه شده است که در عمل باعث بی تأثیر بودن آن در مقوله بسیار مهم مبارزه همه جانبه با فساد گردیده است.

باید در نظر داشت عدم اجرای قانون و تاخیر در ایجاد زیر ساخت های لازم برای اجرای آن در شمای کلی موجب عدم تحقق اهداف تبیین شده در سیاست های کلی نظام اداری کشور، از دست رفتن فرصت ها و افزایش فساد در جامعه خواهد شد. قانونگرایی، تعیین معیارهای حسن انجام وظیفه، استقرار سامانه های الکترونیکی و فنآوری های نوین، شفاف سازی معاملات و امور مالی سازمان ها، استقرار سیستم پاسخگویی، افزایش سطح رفاه کارکنان، انضباط اداری و مالی، بهره گیری از آمیزه های فرهنگی، دینی و اخلاقی، شایسته سالاری و رعایت الگوی مصرف و صرفه جویی، ایجاد نظام سیماتیک جهت بهینه سازی و نهادینه سازی در امور در دست انجام دستگاه های اجرایی، تقویت امور حاکمیتی از جمله عواملی هستند که در قانون مذکور مورد توجه قرار گرفته و سهم بسزائی در بهبود و افزایش بهره وری (کارآئی و اثر بخشی) و ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با فساد و کاهش بروز تخلفات می توانند داشته باشند.

بانکداری به عنوان جزئی از پیکر، نماد نظام اقتصادی اسلامی، نه تنها باید بر اساس چارچوب لازم الرعایه قراردادهای فقهی عمل کند، بلکه لازم است به نحوی ساماندهی می شود که از نظر کارکردی در مسیر تحقیق اهداف نظام اقتصادی اسلامی عمل کند. بر این اساس زدودن فسادهای مالی موجود نظام بانکی ایران یک شرط لازم برای پذیرش آن در منظومه نهادی اقتصادی اسلامی است و از آنجایی که اقتصاد کشور ایران به دلیل توسعه نیافتگی بازارهای کالا و خدمات و بازار سرمایه و بخش های صنعتی و اقتصادی، یک اقتصاد بانک محور می باشد و هم چنین نظام بانکی بسیاری جهت دهی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تحت تاثیر قرار می دهد، پرداختن به فساد مالی در نظام بانکی از اهمیت خاصی برخوردار است و مهم ترین علل فساد مالی در نظام بانکی عدم شفافیت و پیچیده بودن قانون و مقررات مطروحه در این نظام می باشد.

با توجه به اینکه، نظام بانکی در تامین مالی بخش های مختلف اقتصادی نقش پررنگی داشته و همواره سهم بالایی از نظام مالی کشورها را به خود اختصاص داده است؛ هرگونه اختلال یا نارسایی در مدیریت این مؤسسات مالی می تواند علاوه بر نقض قوانین، عدالت و حقوق شهروندی، زمینه عملکرد نامطلوب سیستم مالی و سایر بخش های اقتصادی را فراهم آورده و اثر نامطلوبی بر رشد اقتصادی داشته باشد. به گونه ای که، فساد بانکی در سطح کلان می تواند منجر به کاهش مخارج دولتی و افزایش سرمایه گذاری در بخش غیرمولد و فعالیت های سوداگرانه گردد که کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

۲. مفهوم فساد مالی بانکی

بانک ها مؤسسه هایی بسیار قدرتمند و تأثیرگذار در اقتصاد کشورها هستند. قدرت اقتصادی بانک ها به قدری است که در تمامی

دوره‌ها بحران‌های مالی و اقتصادی از بخش بانکی شروع شده و توسط همان بخش نیز کنترل می‌شود. نکته‌ی مهم‌تر آن که عملیات بانکی بسیار مستعد فساد می‌باشد و جالب‌تر آن که مجرمین در تمام دنیا برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی و به ویژه پولشویی سعی در نفوذ به بانک‌ها و یا تصاحب بانک‌ها می‌نمایند.

عوامل تاثیرگذار در بروز فساد در بانک‌ها را می‌توان به مشکلات برون سازمانی و درون سازمانی تقسیم نمود. مشکلات برون سازمانی می‌توانند به علت محدودیت منابع در مقابل حجم فراوان تقاضای تسهیلات و اعتبار، دخالت‌های متفاوت و بعضاً متعارض برخی دستگاه‌های دولتی در اعطای تسهیلات در بانک‌ها، اعمال نظارت‌های موازی و مکرر، تحریم و ایجاد محدودیت برای بانک‌ها، درآمد دولت و تأثیر آن بر اقتصاد، تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل متعدد دیگری چون عدم توانایی مجریان در اجرای بهنگام طرح‌ها و مشکلات عدم بازپرداخت باشند. اما، روند افزایشی حجم مطالبات معوق، نارسائی‌های ساختاری، انگیزه پایین کارکنان و بی‌تجربگی برخی از آنها، عدم وجود بانک اطلاعات مشتریان و نظام سنجش اعتبار، عدم طبقه‌بندی مطالبات، مشکلات در پیاده‌سازی قوانین بانکداری از جمله مشکلات درون سازمانی برای بروز فساد در این نهاد‌های مالی هستند (زارعی، ۱۳۹۷: ۳۵).

روش‌های معمول برای فساد بانکی عبارتند از اختلاس، سندسازی، مشارکت در معاملات، پیشنهاد رشوه‌ها، مزایده‌ها، برداشت پول از حساب‌های خاص دولتی به نام مردم و انتقال به حساب‌های اشخاص حقوقی و اختصاص دادن امکانات خاص دولتی به بستگان و آشنایان. انتظار بر این است که با شناسایی مصادیق فساد مالی در نظام بانکی، شناخت علمی عوامل مؤثر و بسترهای ایجاد فساد در نظام بانکداری و در نهایت ارائه راهکارها و ابزارهای مورد استفاده در پیشگیری از فساد بانکی بتوان گام مثبتی برای ارزیابی فساد و شناسایی روش‌های مقابله با آن برداشت. البته باید به این نکته اشاره داشت که در ابتدا باید میزان فساد و گلوگاه‌های فساد در هر بانک تعیین گردد. بر این اساس می‌توان بانک‌ها را بر اساس فساد رتبه‌بندی کرد و در نهایت تصمیمات مدیریتی بهتری در راستای حمایت‌های دریافتی از بانک مرکزی اتخاذ کرد (زارعی، ۱۳۹۷: ۳۸).

چن^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقات خود ارائه دادند که فساد مالی تاثیرگذاری معناداری بر رفتار ریسک پذیری بانک‌ها دارد. سطوح بالای فساد مالی رفتار ریسک پذیری بانک‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین آنان نشان دادند که تاثیرگذاری مستقیم فساد مالی بر رفتار ریسک پذیری بانک‌ها با توجه به سیاست‌های پولی پررنگ‌تر است.

۳. علل گسترش فساد در سیستم بانکی

۳-۱. ضعف سیستم مدیریت ریسک

علی‌رغم تحقیقات و توصیه‌های متعدد در دنیا در زمینه‌ی مدیریت ریسک‌های بانکی و ضرورت اهمیت دادن به آن‌ها، متأسفانه در سیستم بانکی کشور فقط در حد نام و دپارتمان به مبحث ریسک و مدیریت آن توجه شده است. دپارتمان مدیریت ریسک در بانک‌ها از منظر توصیه‌ی نهاد‌های بین‌المللی نظیر کمیته‌ی «بال» و الزام بانک مرکزی به صورت پرستیزی و بدون محتوا ایجاد شده‌اند و در مواردی که به محتوا نیز اهمیت داده شده و اقداماتی صورت گرفته است، در عمل به آن توجهی نشده است. نکته‌ی مهم‌تر آن که از میان انواع ریسک‌های بانکی، بانک‌ها به صورت سنتی (و نه در قالب مدل‌های پیشرفته‌ی مدیریت ریسک) به مدیریت ریسک اعتباری و نقدینگی توجه داشته‌اند حال آن که از مهم‌ترین ریسک بانک‌داری یعنی ریسک عملیاتی غافل مانده‌اند. ریسک عملیاتی از پیچیده‌ترین ریسک‌ها در هر صنعتی است و مدیریت آن نیازمند فرآیندهای کارآمد و سیستم‌های رایانه‌ای پیشرفته است که متأسفانه در این زمینه در سیستم بانکی توجه نشده است.

از جمله ریسک‌های مهم در زیر مجموعه ریسک عملیاتی، ریسک پولشویی است که در این زمینه هم ناظران و هم بانک‌ها اهتمام جدی نداشته‌اند. اقدام‌های انجام شده تا کنون صرفاً در حد قانون، آیین نامه و دستورالعمل صرف نظر از توجه جدی به اجرای آن‌ها بوده است. وجود سیستم کارآمد مبارزه با پولشویی می‌تواند جلوی بسیاری از اختلاس‌ها و جرایم موجود در سیستم بانکی را بگیرد. با توجه به این که حجم قابل توجهی از پولهای موجود در جریان شبکه تجاری جهان، پولهای کثیف می‌باشد (برطبق برآوردهای جهانی در سال ۲۰۰۱، میزان پول شسته شده حدود ۱٫۸ هزار میلیارد دلار می‌باشد و در سال ۲۰۱۰ حجم پولشویی در دنیا حدود ۱/۲ تا ۳ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود)، متوجه می‌شویم که میان حجم پول‌های کثیف و تقاضای پول در جریان، ارتباط مستقیمی وجود دارد. افزایش ناگهانی در جرایم باعث افزایش تقاضای پول می‌شود یعنی چنانچه پول‌های کثیف با یک سری عملیات ساده پولشویی شوند، تقاضای پول در جریان افزایش می‌یابد. ولی چنانچه پول کثیف با یک سری عملیات پیچیده تطهیر شوند باعث کاهش تقاضای پول در جریان خواهد شد. این تفاوت به علت تغییر در روش‌های پولشویی و تغییر در محل یابی سیستم بانکی به طرف بازارهای مالی موازی و هم‌چنین کاربرد ابزارهای غیر پولی و افزایش تجارت پایاپای می‌باشد. از این رو بانک‌هایی که درگیر عملیات پولشویی شده و پولشویان به راحتی بتوانند عملیات پولشویی را از راه آن‌ها به انجام برسانند، بیش‌تر در معرض ریسک نقدینگی قرار دارند. به طوری که منابع مالی متعلق به پولشویان در این گونه بانک‌ها از ثبات کافی برخوردار نبوده و امکان خروج یک‌باره‌ی آن‌ها، ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد (متین، ۱۳۸۰: ۵۴).

چنانچه مقررات و دستورالعمل‌های پولشویی در بانک‌ها به درستی اجرا نگردد پولشویان وام‌های کلان یا بدون وثایق محکم از بانک‌ها اخذ می‌کنند و پرداخت‌های تسهیلات خود را به بانک انجام نمی‌دهند تا وثیقه‌ی آن‌ها در تملک بانک درآید که این وثیقه از راه پول‌های کثیف خریداری و کسب گردیده است. به این ترتیب پول‌های کثیف خود را شستشو داده ریسک اعتباری بانک را به شدت افزایش می‌دهند. هم‌چنین سرمایه‌ی بانک‌ها را مدت‌ها را کد نگاه می‌دارند. از این رو با توجه به این که ریسک اعتباری از مهم‌ترین ریسک‌های عملیات بانک‌داری است، تأثیر به‌سزایی بر منابع و مصارف بانک‌ها خواهد داشت.

ریسک اعتباری در تمام فعالیت‌های اعتباری قابل مشاهده است و زمانی به ظهور می‌رسد که وجوه بانک، به واسطه‌ی توافق‌های فعلی یا ضمنی قراردادی، بسط و گسترش پیدا کند. ریسک، به خودی خود در قصور بالقوه‌ی فرض گیرنده در برآوردن شرایط قرارداد اعطای وام، وجود دارد. زمانی که بانکی برای کسانی که در فعالیت‌های مجرمانه از قبیل: پولشویی و تأمین مالی تروریسم، دخیل می‌باشند تأمین اعتبار مالی می‌نماید، ریسک اعتباری در سراسر آن بانک، به طور اساسی بالا می‌رود. افرادی که در پولشویی دخیل هستند، ممکن است هیچ‌گاه خیال باز پرداخت وجوه را نداشته باشند. آن‌ها غالباً برای خود از راه جعل هویت یا سایر راه‌های مجرمانه، اعتبار کسب می‌کنند و ضامین آن‌ها غالباً وجود خارجی ندارند (حیدری، ۱۳۸۲: ۶۹).

بیشترین ریسک عملیاتی در مورد شناسایی مشتری (KYC) به ضعف در اجرای برنامه‌های بانک‌ها، روش‌های کاری ناکار و شکست اعمال دقت کافی در امور است. برداشت عمومی از یک بانک برای این که قادر به اداره‌ی ریسک عملیاتی خود به نحو مؤثری نیست می‌تواند تأثیر منفی در کارها ایجاد نماید. زیر مجموعه‌ی ریسک‌های عملیاتی نیز در صورت عدم رعایت قوانین مبارزه با پولشویی به شدت افزایش خواهند یافت که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ریسک شهرت، ریسک قانونی، ریسک منابع انسانی و ریسک تمرکز اشاره نمود.

ریسک شهرت تهدید مهمی برای بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی به حساب می‌آید زیرا ماهیت حرفه‌ی آن‌ها مستلزم حفظ اعتماد سپرده‌گذاران، بستانکاران و تمامی بازار است. ریسک شهرت را به عنوان پتانسیلی که می‌تواند به شهرت یک بانک یا مؤسسه‌ی مالی به دلیل عملکرد تجاری و ارتباطات آن و صرف نظر از صحت و سقم آن‌ها لطمه بزند، تعریف نموده‌اند. این امر موجب سلب اعتماد نسبت به عملکرد صحیح مؤسسه‌ی یاد شده می‌شود. بانک یا مؤسسه‌ای که قوانین و دستورالعمل‌های مناسب در زمینه

ی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریستی ندارد ممکن است توسط این فعالیت‌ها آلوده شده و در نتیجه به افزایش ریسک شهرت آن بیانجامد. این ریسک می‌تواند به راحتی خدمات و روابط موجود و یا ایجاد امکانات جدید را توسط تبلیغات سوء از بین برده و توانایی بانک را در این زمینه‌ها کاهش دهد. بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی برای حفظ اعتبار خود در سطح ملی و بین‌المللی باید در هنگام معامله با مشتریان خود با احتیاط اقدام نموده و قوانین را به صورت کامل رعایت کنند. همان‌طور که آسیب‌پذیری بانک، عوارض جانبی را افزایش می‌دهد، واکنش‌های عمومی، توانایی آن را در ارائه‌ی خدمات رقابتی نیز ممکن است تحت تأثیر منفی قرار بدهند که باعث افت کلی بانک خواهد شد (رحمت الهی، ۱۳۸۵: ۲۱۳).

با توجه به این موضوع، ریسک شهرت به‌طور بالقوه می‌تواند تأثیر منفی بر حسن شهرت بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی داشته باشد (حتی اگر به صورت شایعه باشد) و سبب کاهش اعتماد مشتریان (سپرده‌گذاران، وام‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران) شود. اتهام پولشویی یا حتی وجود شبهه در این زمینه، موجب از دست رفتن مشتریان معتبر و جذب مشتریان غیرمعتبر و از دست دادن وجوه و منابع قانونی و ارزشمند به علت سلب یا کاهش اعتماد عمومی خواهد شد. ضمن این‌که وجوه سپرده‌گذاری شده از ناحیه‌ی پولشویی را نمی‌توان در زمره‌ی منابع پایدار تلقی کرد چرا که در این گونه موارد عموماً مؤسسه‌های اعتباری به صورت ناگهانی با تقاضای برداشت وجوه یا انتقال آن مواجه می‌شوند. پولشویان همواره به دنبال رخنه در مدیران و کارکنان نظام بانکی هستند، تا از این راه راحت‌تر به اهداف پولشویی خود دست یابند. از این رو با توجه به این‌که پول‌های هنگفتی در چرخه‌های پولشویی وارد بانک‌ها می‌شود، چنانچه این مؤسسه‌ها قوانین و دستورالعمل‌های محکمی در خصوص مبارزه با پولشویی نداشته باشند، ریسک منابع انسانی آن‌ها افزایش می‌یابد (دهقانی زاده و برزگر، ۱۳۹۵: ۸).

۳-۲- عدم وجود دستگاه نظارتی کارآمد

در دنیا مکانیسم نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری و بازار سرمایه به دو شیوه است: «نظارت یک‌پارچه از راه بانک مرکزی و نظارت از راه ناظری مستقل غیر از بانک مرکزی» میزان کاربرد دو روش یاد شده در میان کشورهای دنیا تقریباً برابر است. در کشور ما مکانیسم نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری از راه بانک مرکزی اعمال می‌شود و بازار سرمایه نیز مقام ناظر جداگانه دارد. از آن‌جا که بانک مرکزی در کشور ما از استقلال لازم برخوردار نیست و بحث بر روی استقلال این بانک سال‌هاست در محافل مختلف مطرح و به نتیجه نرسیده است، موضوع بانک‌داری مرکزی با مبحث نظارت بر بانک‌ها خلط شده و بانک مرکزی در بسیاری از موارد از اعمال نظارت بر بانک‌ها به دلیل تحمیل سیاست‌های متناقض ناتوان بوده است. اعمال دستورهای از جنس نظارت، سیاست‌گذاری پولی و توسعه‌ی اقتصادی و بخشی و بعضاً از منظر مجمع عمومی یک بانک در کنار نبودن سیستم مجازات متناسب (که در قسمت بعد به آن پرداخته خواهد شد) کارآمدی نظارت بانک مرکزی را با خدشه مواجه کرده است (دهقانی زاده و برزگر، ۱۳۹۵: ۱۰).

۳-۳- فقدان نظام‌های تنبیهی متناسب

بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر سیستم بانکی کشور، می‌تواند مجازات‌ها و تنبیهاتی برای بانک‌های متخلف و یا سهل‌انگار اعمال نماید. این مجازات‌ها و تنبیهات باید متناسب با اهمیت موضوع، تخلف و یا سهل‌انگاری باشد و مجموعه‌ای از بانک یا مؤسسه، مدیران و کارکنان آن‌ها و بعضاً سهامداران عمده را شامل شود. در بسیاری از کشورهای دنیا، تنبیهات بانک‌های مرکزی و یا مقام ناظر بانکی بسیار سخت و شدید است و حتی در زمینه‌ی پولشویی این تنبیهات در سهل‌انگاری و عدم دقت یک مؤسسه یا بانک نیز بسیار شدید بوده است.

اما آیا در تخلفات قبلی انجام شده در یک بانک، بانک یاد شده به دلیل فقدان سیستم نظارتی کارآمد تنبیه شده است؟ اگر تنبیه شده است آیا متناسب با تخلف بوده و یا به عبارت دیگر کارآمد بوده است. متأسفانه به دلیل عدم وجود نظام تنبیهی متناسب در بانکداری کشور ما، در پاره‌ای موارد شاهد گفتمانی در میان مدیران بانکی در خصوص یک تخلف هستیم مبنی بر این که انجام این تخلف به نفع بانک است و در نهایت بانک مرکزی پس از مدت‌ها که متوجه این تخلف شد با یک نامه‌ی ساده از ما می‌خواهد که به آن تخلف ادامه ندهیم و تا آن موقع منافع زیادی نصیب بانک شده است. چنین استدلال و گفتمانی نشان از ناکارآمدی تنبیهات بانکی دارد و عدم رعایت بسته‌ی سیاستی نظارتی بانک مرکزی که بعضاً مصوب هیأت وزیران و یا شورای پول و اعتبار است (این شیوه در سال‌های مختلف، متفاوت بوده است) از سوی برخی از بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری گواه این مدعاست (رحمت الهی، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

۳-۴- فقدان فن آوری اطلاعات پیشرفته در سیستم بانکی

یکی از مشکلاتی که نظارت کارآمد بر سیستم بانکی را دشوار نموده است، ضعف (IT) در بانک‌هاست. دسترسی بر خط به اطلاعات بانک‌ها و یا امکان تهیه‌ی اطلاعات مورد نیاز مقام نظارتی از جمله مشکلاتی است که به دلیل به روز نبودن تکنولوژی اطلاعات بانک‌ها، هر روزه بانک مرکزی با آن دست به گریبان است. طی سال‌های گذشته نیز مدیران بانک‌های بزرگ که مدیران دولتی بوده‌اند به دلیل هزینه‌های نسبتاً بالای دست‌یابی به تکنولوژی‌های برتر و نیز وجود تحریم‌ها در این زمینه گام‌چندان بزرگی بر نداشته‌اند. حال آن که فقط مبلغ اختلاس سال ۷۴ یکی از همین بانک‌ها برای نوسازی و به روز نمودن تکنولوژی اطلاعات کل بانک‌های کشور کفایت می‌نماید (دهقانی زاده و بزرگر، ۱۳۹۵: ۹).

۴. رویکرد حقوقی قانونگذار به پولشویی

ارکان تشکیل دهنده پولشویی، یکی از بهترین روش‌های بررسی جرایم، تحلیل آنان بر اساس ارکان تشکیل دهنده جرم می‌باشد. ما نیز در این راستا با بررسی عنصر قانونی، مادی و معنوی به دنبال تحلیلی حقوقی از جرم پولشویی می‌باشیم. الف: عنصر قانونی: پولشویی فرآیندی است که طی آن درآمدهای ناشی از جرایمی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه، رشوه، اخاذی و کلاهبرداری و ... که پول نامشروع و غیرقانونی است به پول مشروع و قانونی تبدیل می‌کند (شمس ناتری، ۱۳۸۲: ۱۵۶). عنصر قانونی پولشویی در حقوق کیفری ایران را قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ تشکیل می‌دهد. در این قانون بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین تعداد زیادی از کشورهای دنیا به تعریف جرم پولشویی و تبیین ارکان آن پرداخته شده است. به جز قانون مورد بحث که به صورت اختصاصی به جرم‌انگاری پولشویی پرداخته، برخی دیگر از قوانین و مقررات در کشور ما وجود دارد که در زمینه پیشگیری از جرم و در نهایت جرم‌انگاری پولشویی مورد توجه قرار گرفته است. از مهمترین آنها می‌توان به اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون نحوی اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی، قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴، ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور و ... اشاره نمود.

ب: عنصر مادی: در مهمترین رکن قانونی جرم پولشویی یعنی قانون مبارزه با جرم پولشویی مصوب ۱۳۸۶ در ماده ۲ در سه بند جداگانه مصادیق مختلف عنصر مادی جرم مذکور را احصا نموده که در ذیل مصادیق مذکور را به طور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- تحصیل عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی: تحصیل عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی زمانی محقق می گردد که شخصی با علم و اطلاع از اینکه عواید بدست آمده ناشی از فعالیت های غیرقانونی است به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به نحوی از انحا آن را تحصیل نماید. در این حالت تحصیل، تمام حالاتی را که منجر به دست یابی عواید حاصل از جرم غیر از تملک را در بر می گیرد (ساک، ۱۳۸۹: ۱۲۷). بنابراین چنانچه کسی با علم به اینکه عوایدی از جرم قاچاق کالا یا انسان حاصل شده آن عواید را تحصیل نماید، مطابق قانون مذکور و با جمیع سایر شرایط مرتکب جرم پولشویی شده است.

- تملک عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی: در این حالت قانونگذار منع هر گونه فعالیت و نقل و انتقال مال نامشروع را که تملک آور باشد مانند خرید و فروش و امثال آن مدنظر قرار داده است. لذا کسی که با علم و اطلاع از نامشروع بودن منشأ مال آن را می خرد و یا به وسیله یکی از عقود تملیکی به مالکیت خود در می آورد مشمول جرم پولشویی خواهد شد، حتی اگر در قبال آن عوضی هم پرداخت کرده باشد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۹۰: ۴۴).

- نگهداری عواید حاصل از فعالیت های غیرقانونی: قانونگذار نه تنها حالتی را که شخصی با علم به نامشروع بودن عواید، آن را تملک و یا تحصیل می نماید جرم انگاری نموده بلکه حتی حالتی را نیز که شخصی با علم به به نامشروع بودن منشأ غیرقانونی عواید، آن را نگهداری می نماید تحت تعقیب قرار می دهد. ماهیت عمل نگهداری مربوط به بعد از ارتکاب جرم و حاصل شدن عواید ناشی از جرم می باشد که متعاقب آن به انگیزه های مختلف از جمله پنهان نمودن منشأ غیرقانونی عواید مذکور توسط دیگری نگهداری می شوند. هدف اصلی قانونگذار از جرم انگاری این عمل، کشف جرم و دستگیری مجرم و ضبط سریع عواید نامشروع می باشد.

- تبدیل و مبادله عواید به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی: تبدیل عواید حاصل از جرم که متعاقب علم و آگاهی مرتکب به نامشروع بودن عواید مذکور حاصل می گردد به عنوان یکی از مصادیق لایه گذاری مطرح می شود بدین نحو که هرگاه شخصی عواید ناشی از سرقت را در بانک به عنوان سپرده قرار دهد یا با آن زمین یا خانه ای خریداری نماید این مقدار عمل مصادق تبدیل عواید ناشی از جرم محسوب می گردد البته هم در تبدیل و هم در مبادله که در ادامه خواهد آمد، قصد مرتکب در پنهان نمودن منشأ غیرقانونی عواید باید محرز باشد و الا جرم مذکور واقع نخواهد شد. مبادله کردن عواید حاصل از جرم یعنی دست به دست کردن آن و چرخاندن در سیستم اقتصادی برای گم شدن وضعیت اولیه آن و پنهان کردن منشأ آن می باشد در این حالت برای اجتناب از این شبهه که تبدیل و مبادله در این قانون مترادف بکار رفته اند بیان می داریم که تبدیل ملازمه با تغییر دارد در حالی که مبادله همواره توأم با تغییر نیست (ساک، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

- اخفا یا پنهان کردن یا کتمان عواید مجرمانه: در این حالت هرگاه شخصی هر مالی را که از فعالیت های مجرمانه حاصل شده است و یا به طور مستقیم یا غیر مستقیم کلی یا جزئی نشان دهنده چنین فعالیتی باشد اخفا یا پنهان یا کتمان نماید متهم به ارتکاب جرم پولشویی خواهد بود (باقرزاده، ۱۳۸۸: ۱۷۱) این مصادیق برخلاف سایر مصادیق می توانند به صورت ترک فعل هم محقق شوند.

ج: عنصر روانی: پولشویی به عنوان بارزترین مصادق جرایم اقتصادی جرم عمدی به شمار می آید. در جرم مذکور علاوه بر عمد عام، عمد خاص نیز لازم است؛ بنابراین کلیه اعمال و اقدامات و رفتارهایی که به عنوان عنصرمادی جرم بیان کردیم مرتکب باید ضمن علم و آگاهی به نامشروع بودن عواید ناشی از جرم و ضمن علم واطلا از ماهیت رفتار خویش، با اراده آزاد و مختار به انجام آن پردازد در غیر این صورت به علت عدم وجود عمد عام عنوان جرم پولشویی صادق نخواهد شد.

علاوه بر آن برای تحقق جرم مذکور نیز عمد خاص یعنی خواستن نتیجه حاصله در مواردی که تصریح شده لازم و ضروری است؛ یعنی اقدامات مذکور باید به قصد پنهان نمودن منشأ غیر قانونی عواید حاصله از جرم باشد خواه عملاً قصد مذکور محقق شود یا نه که این امر تأثیری در جرم مذکور ندارد.

۴. رویکرد پیشگیرانه‌ی قانون ارتقاء سلامت اداری در زمینه فساد در نظام بانکی

جرایم بانکی به یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه تبدیل گردیده است، عده‌ای بر این عقیده‌اند که اصولاً راهی برای حل این مشکل وجود ندارد. عده‌ای نیز برآنند که مجازات و تنبیه عاملین فساد تنها راه حل مشکلات مقابله با جرایم بانکی است. مشکل جرایم بانکی حل نخواهد شد، مگر آنکه عوامل و ریشه‌های بروز این پدیده زشت را کشف و ریشه‌کنی این عوامل را برای مقابله با فساد مهیا گردد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که در وهله اول برخورد حقوقی و کیفری قاطع با مجرمان اولین و مهمترین راهکار مبارزه با جرایم بانکی است که دستگاه قضا باید آن را به طور جدی دنبال کند و در وهله دوم ریشه‌یابی علل وقوع جرایم بانکی از منظر قضایی و یافتن راهکارهای مناسب برخورد با آنها یکی از مهمترین وظایف قوه قضاییه در جهت پیشگیری از مفاسد اقتصادی به شمار می‌آید. در این بخش از پژوهش به رویکرد پیشگیرانه‌ی قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد در زمینه فساد در نظام بانکی پرداخته شده است.

۴-۱- جایگاه قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد در فساد بانکی

با توجه به اینکه، نظام بانکی در تامین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی نقش پررنگی داشته و همواره سهم بالایی از نظام مالی کشورها را به خود اختصاص داده است؛ هرگونه اختلال یا نارسایی در مدیریت این مؤسسات مالی می‌تواند علاوه بر نقض قوانین عدالت و حقوق شهروندی، زمینه عملکرد نامطلوب سیستم مالی و سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم آورده و اثر نامطلوبی بر رشد اقتصادی داشته باشد. به گونه‌ای که، فساد بانکی در سطح کلان می‌تواند منجر به کاهش مخارج دولتی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش غیرمولد و فعالیت‌های سوداگرانه گردد که کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد. علاوه بر این، فساد با اثرگذاری بر ترازنامه بانک‌ها می‌تواند عامل مهمی در بروز بحران‌های مالی جهان باشد.

عوامل تاثیرگذار در بروز فساد در بانک‌ها را می‌توان به مشکلات برون سازمانی و درون سازمانی تقسیم نمود. مشکلات برون سازمانی می‌تواند به علت محدودیت منابع در مقابل حجم فراوان تقاضای تسهیلات و اعتبار، دخالت‌های متفاوت و بعضاً متعارض برخی دستگاه‌های دولتی در اعطای تسهیلات در بانک‌ها، اعمال نظارت‌های موازی و مکرر، تحریم و ایجاد محدودیت برای بانک‌ها، درآمد دولت و تأثیر آن بر اقتصاد، تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل متعدد دیگری چون عدم توانایی مجریان در اجرای بهنگام طرح‌ها و مشکلات عدم بازپرداخت باشند. اما، روند افزایشی حجم مطالبات معوق، نارسائی‌های ساختاری، انگیزه پایین کارکنان و بی‌تجربگی برخی از آنها، عدم وجود بانک اطلاعات مشتریان و نظام سنجش اعتبار، عدم طبقه‌بندی مطالبات، مشکلات در پیاده‌سازی قوانین بانکداری از جمله مشکلات درون سازمانی برای بروز فساد در این نهادها مالی هستند.

روش‌های معمول برای فساد بانکی عبارتند از اختلاس، سندسازی، مشارکت در معاملات، پیشنهاد رشوه‌ها، مزایده‌ها، برداشت پول از حساب‌های خاص دولتی به نام مردم و انتقال به حساب‌های اشخاص حقوقی و اختصاص دادن امکانات خاص دولتی به بستگان و آشنایان. انتظار بر این است که با شناسایی مصادیق فساد مالی در نظام بانکی، شناخت علمی عوامل مؤثر و بسترهای ایجاد فساد در نظام بانکداری و در نهایت ارائه راهکارها و ابزارهای مورد استفاده در پیشگیری از فساد بانکی بتوان گام مثبتی برای ارزیابی فساد و شناسایی روش‌های مقابله با آن برداشت. البته باید به این نکته اشاره داشت که در ابتدا باید میزان فساد و

گلوگاه‌های فساد در هر بانک تعیین گردد. بر این اساس می‌توان بانک‌ها را بر اساس فساد رتبه‌بندی کرد و در نهایت تصمیمات مدیریتی بهتری در راستای حمایت‌های دریافتی از بانک مرکزی اتخاذ کرد.

اما نکته این است که چنین شاخص کمی در اقتصاد ایران تعریف نشده است. میزان فساد مالی صرفاً بر اساس شاخص درک فساد^۲ که از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل برای رتبه‌بندی کشورها اعلام می‌شود بررسی می‌گردد. اما، این شاخص نمی‌تواند معیار مناسبی برای ارزیابی فساد در کشورها باشد. زیرا، از یک سو این مؤسسه صرفاً بر یک جنبه از فساد (رشوه) تمرکز داشته و در برخی کشورها نیز نمایندگی برای جمع‌آوری اطلاعات ندارد. تاکنون شاخص فساد بانکی در ایران تعریف و پیاده‌سازی نشده و سلامت مالی بانک‌ها صرفاً بر اساس شاخص‌های کم‌مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، ضروری است شاخصی تعریف و تبیین گردد که در تعریف آن تمام ارزش‌های فرهنگی با وزن مشخص در نظر گرفته شوند. سپس، بر اساس شاخص‌های مذکور با آسیب‌شناسی فساد بانکی، گلوگاه‌های فساد در هر بانک به صورت مجزا شناسایی گردیده و در نهایت قوانین و دستورالعمل‌هایی را برای مبارزه با هر بخش تبیین و پیاده‌سازی شود.

وسعت جرایم بانکی در ایران را ناکارآمدی نظام اداری و نبود قوانین مشخص، نارسایی سیستم بانکی، نبود نظارت دقیق بر نقل و انتقال بانکی، عدم انضباط سیستم بانکی کشور در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی و عدم رعایت شرایط اسلامی مبادله و عوامل دیگر دانسته‌اند. در کشور ایران با وجود این که با تورم قوانین جزایی روبرو هستیم اما متأسفانه در پاره‌ای از موارد خلا قانونی وجود دارد هر چند در برخی از قوانین فعلی مواردی وجود دارد که نهایتاً به مجازات مرتکبین اعمالی منجر می‌شود که جرم محسوب می‌شود.

جرایم بانکی در سطح وسیع جامعه، اثرات نامطلوب و زیانباری بر اقتصاد کشورها و جامعه جهانی بر جای می‌گذارد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: گسترش فعالیت‌های مجرمانه زیرزمینی در جامعه، اختلال در جمع‌آوری مالیات و تشویق فرار مالیاتی در جامعه، اختلال در بازارهای مالی، افزایش نرخ تورم و انحرافات اجتماعی، فاسد شدن ساختار حکومت و آسیب‌رسانی به اعتبار دولت‌ها و نهادهای اقتصادی کشور، رقابت‌پذیری ناسالم اقتصادی که موجب تضعیف بخش خصوصی و تعاونی می‌شود، تخریب بازارهای مالی، فرار سرمایه به صورت غیرقانونی، ورشکستگی بخش خصوصی، تخریب بنیان‌های تجارت خارجی، افزایش ریسک خصوصیسازی، مال‌اندوزی مجرمان و فعالان غیرقانونی و کاهش بهره‌وری در بخش واقعی اقتصاد می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۴: ۱۴).

مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره‌مندی مفسدین بانکی، و نیز ثروت‌های نامشروع تحصیل شده در داخل کشور و همچنین انتقال ثروت‌های نامشروع خود به خارج از کشور و بانک‌های خاص و حساب‌های ناشناخته از عوامل ایجاد جرایم بانکی است که نیازمند وضع قوانین جدید است.

از سوی دیگر کمبود مکانیزم لازم در مورد نظارت قضایی کافی بر عملکرد مراکز بانکی کشور توسط سازمان بازرسی کل کشور به عنوان بازوی نظارتی قوه قضاییه و عالیترین نهاد نظارتی کشور کاملاً مشهود است و همین امر باعث شده تا این تشکیلات عریض و طویل به نهادی تشریفاتی تبدیل شود.

وجود ابهام و نقص و فقدان شفافیت لازم در ضوابط و مقررات نیز بسترسازی مناسبی برای جرایم بانکی ایجاد کرده است که این معضل نیازمند صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی شفاف‌ساز در موسسات دولتی و بانک‌ها است.

از دیگر دلایل حقوقی گسترش جرایم بانکی در ایران این است که قوه قضاییه به قوانین متروک یا اصول و قوانینی که در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور ناقص اجرا شده توجهی ندارد. از جمله این قوانین می‌توان به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون

اساسی کشور (مصوب ۱۳۶۳)، اصل ۴۲ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) اشاره کرد (حسن پور، ۱۳۸۴: ۷۱).

مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه بایستی وظایف خود را در دو بخش پیشگیری و مجازات مجرمین به طور همزمان و به موازات هم انجام دهد. اجرای پروژه‌های پژوهشی در جهت ریشه‌یابی علل وقوع جرایم بانکی از منظر قضایی و یافتن راهکارهای مناسب برخوردار با آنها یکی از مهمترین وظایف قوه قضاییه در جهت پیشگیری از مفساد اقتصادی به شمار می‌آید. این امر قطعاً به تدریج به تهیه لوایح قانونی مناسب منجر خواهد شد که خلاء مقررات قانونی جزایی را پر خواهد کرد. در همین راستا یکی از این دستورالعملها جهت رویکرد پیشگیرانه، قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مبارزه با فساد است.

۴-۲- رویکرد قانونگذار به پیشگیری از فساد بانکی

تصویب قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در سال ۱۳۹۰ در حقیقت مسبوق به افزایش چشمگیر جرایم مالی- اقتصادی در نهادها و سازمان های دولتی و عمومی بوده است، به عبارت دیگر، تصویب این قانون و عنوان آن، خود حکایت از آن دارد که قانون گذار به تهدید جدی فساد اداری- مالی علیه بقا قانونی نظام اجتماعی- سیاسی و آرامش عمومی پی برده است. آنچه در این قانون به عنوان یک نوآوری مهم قابل بررسی است، پیشگیری از بزه های اداری- مالی است. بر اساس این قانون، شفافیت، یکی از مهم ترین مسائلی است که باید بر سیستم بانکی حاکم باشد. اگر به این شاخص بها داده نشود، راه فساد و رانت در سیستم بانکی هموار می شود و تخلفات گسترده یا کوچک شکل می گیرد. در واقع متخلفان اگر احساس کنند نظارت قوی و مشخصی روی آنها وجود ندارد، ساده تر به سمت کلاهبرداری حرکت می کنند. برای جلوگیری از بروز تخلف، ابتدا باید حسابرسی داخلی بانکها فعال باشد. در این صورت افرادی که مسئولیتی دارند، لغزش کمتری خواهند داشت اما اگر حسابرسی با چالش ها و ضعف هایی همراه باشد، آن زمان احتمال وقوع تخلف بالا می رود. در وهله دوم، نظارت بانک مرکزی بر بانکها و موسسات مالی اهمیت زیادی دارد. اینکه صورت های مالی بانک ها چگونه است و منابع و مصارف شان به چه نحوی است. مشتریان بانک چه کسانی هستند و افرادی که وام های کلان گرفته اند، چگونه به این مبلغ دست پیدا کرده اند و آیا قوانین موجود برای دادن وام به آنها رعایت شده است یا رانت و فساد در کار بوده. اگر نظارت بانک مرکزی همیشگی و قدرتمند باشد، آن زمان می توان از بروز تخلفات جلوگیری کرد. اگر حسابرسی داخلی بانکها و نظارت بانک مرکزی دچار حفره و ضعف باشد، آن وقت قوه قضاییه وارد عمل می شود. به این ترتیب، مهم ترین مساله نظام بانکی ایران در مقابل کلاهبرداری های اتفاق افتاده، همان نبود نظارت کافی و قدرتمند است. اگر این حلقه مفقود شده تقویت شود، شاهد کاهش تخلفات خواهیم بود. سازمان های نظارتی می توانند به مرور شیوه های مختلف کلاهبرداری و سوءاستفاده را شناسایی و از بروز مجدد آنها جلوگیری کنند.

سیستم بانکی معمولاً پای ثابت اختلاس های کشور است و هر از چندگاهی که خبری در مورد اختلاس ها منتشر می شود نام یکی از بانکها در میان است که بسیاری از کارشناسان ضعف نظارتی مفرط بانکی را مهمترین عامل اختلاس های بانکی می دانند. بنابراین بر اساس قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد شرط لازم برای سالم بودن یک نظام اقتصادی، وجود شفافیت در ابعاد مختلف به ویژه شفافیت در عملیات دولتی است که در وهله اول مستلزم ارائه اطلاعات قابل اعتماد درباره اهداف کلان سیاست های مالی بانکها می باشد. بین شفافیت و سلامت اقتصادی رابطه ای مثبت وجود دارد، به این ترتیب که شفافیت بیشتر باعث سلامت اقتصادی و کاهش فساد می شود و عدم شفافیت سازوکارها، قوانین و رویه ها موجب افزایش فساد خواهد شد و مبارزه با فساد را دشوار می سازد. از طرف دیگر عدم شفافیت نظام مالی و اقتصادی باعث عدم ثبات، اختلال در تخصیص بهینه منابع و تشدید بی عدالتی و نابرابری می گردد و راه را برای انواع فساد مالی و اقتصادی و رانت خواری فراهم می آورد.

هر چه میزان شفافیت اقتصادی افزایش یابد، هزینه ورود به فعالیت اقتصادی کاهش می‌یابد و در نتیجه با افزایش رقابت پذیری اقتصادی، زمینه برای توسعه و رشد اقتصادی فراهم خواهد شد. شفافیت و جریان آزاد اطلاعات در زمینه عملکرد دولت و مقامات دولتی باعث افزایش هزینه اقدام به فساد و انجام فعالیت به نفع شخصی خواهد شد و بدین ترتیب بعنوان یک بازدارنده و مانع برای قدرت فساد آلود عمل می‌کند. در این راستا ساده سازی قوانین و شفاف نمودن رویه‌ها ضرورتی اجتناب ناپذیر است؛ قوانین باید به نحوی تدوین شوند که از هر نوع پنهان کاری جلوگیری نموده، و زمینه انجام فعالیت‌ها به شکل شفافیت را فراهم نمایند، با شفافیتی که در عملیات بانکی پدید می‌آورد، مسؤولیت پذیری و حسابدهی را تقویت می‌کند.

۵. احکام صادره پیرامون جرائم و مجازات‌های پولی و بانکی

دادنامه شماره ۱۳۶۸/۹۵ مورخ ۹۵/۸/۱ شعبه ۱۰۹ دادگاه کیفری دو شهرستان یزد

متن رأی دادگاه بدوی

«گردشکار: پس از ارجاع پرونده به این شعبه و ثبت به کلاسه بالا سرانجام به» تاریخ فوق در وقت فوق العاده شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی کیفری دو یزد به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و با تکیه بر وجدان و شرف مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

به نام خداوند متعال در خصوص اتهام آقای ... دایر بر اختلاس موضوع شکایت آقای خلیل لطفی به وکالت از بانک ملت - مدیریت شعب استان یزد

توضیح آنکه حسب شکایت تقدیمی، مشتکی عنه بعنوان کاربر شعبه بانک ملت چکهای واگذاری (کلر) مشتریان در سامانه متمرکز (جام) سامانه چکاوک بانک مرکزی را که به بانک مذکور سپرده شده بوده را پس از وصول وجوه به حساب شخصی خویش و اعضاء خانواده اش واریز می نموده است و از این طریق مبلغ ۹۱۶۲۲۶۶۳۱ ریال تصاحب نموده است علیهذا دادگاه با عنایت به شکایت شاکی، پاسخ استعلام بعمل آمده توسط مدیریت شعب استان یزد - اداره حقوقی و وصول مطالبات معوق به شماره ۱۴۹۵۷/۹۵/۸۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۶/۶ که حکایت از برداشت مبلغ مذکور توسط متهم و نیز بیانگر عودت کلیه وجوه به بانک ملت می باشد، نتیجه تحقیقات به عمل آمده از سوی دادسرای عمومی و انقلاب یزد و کیفرخواست صادره از سوی آن مرجع محترم و توجهاً به اقرار صریح و مقرون به واقع متهم در مرحله تحقیق و رسیدگی بزهکاری وی را محرز دانسته لذا به استناد ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و تایید ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و رعایت تبصره ۶ آن ماده و مواد ۱۹، ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جهت اظهار ندامت، حسن سابقه و اقرار موثر وی در مرحله تحقیق و رسیدگی و وضعیت خاص وی (متاهل بودن) متهم به تحمل دو سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و نیز دو سال انفصال موقت از خدمات دولتی و نیز پرداخت مبلغ ۱۸۳۲۴۵۳۲۶۲ ریال جزای نقدی (معادل دو برابر مال مورد اختلاس) محکوم و اعلام می گردد نظر به اینکه کلیه وجوه مورد اختلاس عودت شده است دادگاه در خصوص تکلیف ذیل ماده ۵ قانون پیش گفته مبنی بر رد وجه مواجه با تکلیفی نمی باشد، از طرفی به استناد تبصره ۳ ماده اخیرالذکر که اشعار داشته «هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد». دادگاه اولاً) محکوم علیه را از پرداخت مبلغ ۱۷۳۲۴۵۳۲۶۲ ریال (یک میلیارد و هفتصد و سی و دو میلیون و چهارصد و پنجاه و سه هزار و دویست و شصت و دو ریال) از جزای نقدی مذکور معاف می نماید. ثانیاً) با رعایت مواد ۴۶ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار تعلیق اجرای مجازات دو سال حبس تعیین شده برای محکوم علیه به مدت سه سال صادر و اعلام می گردد هر گاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص،

دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر وفق مقررات قرار تعلیق لغو و دستور اجرای حکم معلق صادر خواهد شد رای صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان یزد می باشد».

متن رأی تجدیدنظر

«گردشکار: پس از ارجاع پرونده به این شعبه و ثبت بکلاسه بالاسرانجام بتاريخ فوق در وقت فوق العاده شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان یزد بتصدی امضاء کنندگان زیر تشکیل است دادگاه با بررسی اوراق پرونده با اعلام ختم رسیدگی پس از مشاوره وفق موازین مبادرت بصدور رأی می نماید.

بنام خدا- در خصوص تجدیدنظر خواهی ... نسبت به دادنامه شماره ۱۲۶۸/۹۵ مورخ ۹۵/۸/۱ شعبه ۱۰۹ کیفری دو شهرستان یزد که به موجب آن بابت اتهام اختلاس موضوع شکایت خلیل لطفی بوکالت از بانک ملت (مدیریت شعب استان یزد) بتحمل دو سال حبس تعزیری و دو سال انفصال موقت از خدمات دولتی و پرداخت مبلغ ۱۸۳۳۴۵۳۲۶۲ ریال معادل دو برابر مال مورد اختلاس بعنوان جزای نقدی در حق دولت و در ادامه معافیت از پرداخت ۱۷۳۲۴۵۳۲۶۲ ریال از جزای نقدی صادر و کل حبس مذکور به مدت سه سال تعلیق گردیده است باعنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده و اظهارات و دفاعیات متهم و توجهاً به پاسخ استعلام بعمل آمده در خصوص وضعیت حقوقی بانک ملت که مالک مذکور غیر دولتی اعلام شده و با این وصف اساساً ارکان و شرایط بزه اختلاس احراز نمی گردد بنابراین و مستنداً به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و بند ب ماده ۴۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری به لحاظ عدم تحقق ارکان بزه انتسابی با نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته رای به برائت نامبرده در این خصوص صادر و اعلام می دارد این رای قطعی است».

شرح موضوع

در این پرونده یکی از شعب بانک ملت شکایتی تحت عنوان اختلاس علیه کارمند خود مطرح نموده است. بدین شرح که متهم به عنوان کاربر بانک، چک های مشتریان که در سامانه متمرکز (جام) سامانه چکاوک بانک مرکزی که به بانک سپرده شده بوده را تصاحب نموده و وجوه آن را به حساب شخصی خود یا اعضای خانواده اش واریز نموده است. دادگاه کیفری دو به استناد ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری متهم را به اتهام اختلاس محکوم می نماید، اما دادگاه تجدید نظر با این استدلال که بانک ملت از عداد بانکهای دولتی خارج شده و خصوصی می باشد، به جهت عدم تحقق ارکان بزه اختلاس، رأی بدوی را نقض و حکم بر برائت محکوم علیه صادر نموده است.

مسائل شکلی

طبق مواد: ۳۷۴ - دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعالی، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رای مبادرت می کند. رای دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شد است... و ۳۷۵ - دادگاه باید در رای، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت و اخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رای قابل و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیر قابل و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند. این امر، مانع و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام خواهی نیست. دادنامه در تشریح موضوع و بیان استدلال و استناد به مواد قانونی مربوطه از انسجام مطلوبی برخوردار بوده است. و در نهایت نیز مهلت و قابلیت اعتراض آن و تیز مرجع رسیدگی به اعتراض به درستی اعلام شده است، لیکن چنانچه دادنامه دارای قسمتی به عنوان گردشکار (که به بیان شرح موقوف پرونده می پرداخت) و نیز قسمتی که به انشای رای اختصاص داشت، می بود از لحاظ شکلی کامل تر به نظر می رسید.

مسائل ماهوی

مهمترین موضوع ماهوی موجود در رأی مورد بحث، صدور حکم برائت متهم از اتهام اختلاس است. اختلاس یکی از تعدیاتی مامورین دولتی نسبت به اموال و وجوه متعلق به دولت و بیت المال است. این جرم از جرایم عمدی است و مختص کارمندانی است که اموال دولتی را به قصد تحصیل منفعت برداشت می کنند.

یکی از محوری ترین تفاوت های جرم اختلاس با جرایم دیگر به ویژه جرم خیانت در امانت، شخصیت مرتکب می باشد، جرم اختلاس عبارت است از خیانت در امانت کارکنان دولت در اموال دولت یا اموال شخصی که نزد دولت سپرده شده باشد. برخی از اساتید حقوق این جرم را از فروض جرم خیانت در امانت دانسته و برخی جرم اختلاس را مصداق مشدد جرم خیانت در امانت دانسته اند. نکته مهم در بزه اختلاس این است که اختلاس عبارت است از تصاحب مال موضوع جرم و خارج نمودن آن از تملک دولت، به عبارت دیگر مادامی که عملیات اجرایی، موجب تصاحب مال نگردد، مشمول جرم اختلاس نبوده و ممکن است در قابل جرایم دیگر و نظیر استفاده غیر مجاز قرار گیرد.

استدلال دادگاه تجدیدنظر در صدور رأی مورد نقد آن بوده که با توجه به غیر دولتی بودن بانک ملت محکومیت متهم به اتهام اختلاس فاقد وجهت قانونی است. استدلال مذکور و رأی برائت صادره از جهات زیر مورد انتقاد می باشد:

مرتکب بزه اختلاس، وفق ماده ۵ سابق الذکر، کارمندان دولت، شوراها، شهرداری ها و نهادهای انقلابی و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و همچنین مامورین به خدمات عمومی می باشند، هر چند اصطلاح «مامورین به خدمات عمومی» در قوانین پس از انقلاب اسلامی تعریف نشده است، اما در قانون راجع به محاکمه و مجازات مامورین به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۹/۲/۹ آمده است: «ماده یک - مامورین به خدمات عمومی از حیث جرایم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث جزای اعمال دولت در حکم مامورین دولتی خواهند بود ... ماده ۳- مامورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در موسسات ذیل خدمت می کنند: ۱- موسسات خیریه که به حسب ترتیب وقف یا وصیت، مسئولیت آنها با پادشاه عصر است ۲- موسسات خیریه و موسسات خیریه و موسسات عام المنفعه که دولت یا شهرداری اداره می کند و یا تحت نظر دولت اداره می شود ۳- موسسات انتفاعی دولت یا موسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره می شود».

با عنایت به توضیحات فوق، به نظر می رسد که بانک های خصوصی موسسات انتفاعی هستند که تحت نظارت دولت (بانک مرکزی) اداره می شوند فلذا مشمول بند سوم ماده فوق الذکر می باشند.

طبق ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور (۱۳۵۱/۴/۱۸) الف: تاسیس بانک و اشتغال به عملیات بانکی و استفاده از نام بانک در عنوان موسسات اعتباری فقط طبق مقررات این قانون ممکن است ... ج: تاسیس بانک در ایران موقوف به تصویب اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی ایران است». از جهتی نحوه و اصول حسابداری و دفتر داری، ترازنامه میزان استهلاک دارایی ها، خرید سهام، مشارکت، اعطای اعتبار، مدت و طرز نگهداری اوراق بازرگانی و اسناد و دفاتر بانک ها و تغییر در اساسنامه همگی به وسیله شورای پول و اعتبار تعیین می گردد و بانکها مکلف به اجرای آن خواهند بود. لذا بانکها چه دولتی و چه خصوصی هر دو به عنوان موسسات (شرکت های) تحت نظارت دولت بوده که با شعب گسترده و متعدد در سطح کشور به ارائه خدمات عمومی می پردازند و از حیث خدمات عمومی بانک های خصوصی حتی از برخی بانک های دولتی گسترده تر عمل می نمایند.

از سوی دیگر، حداقل ۱۷ درصد سهام بانک ملت (طبق استعلام بعمل آمده در پرونده کیفری) متعلق به دولت است و از این لحاظ نیز از جمله موسساتی خواهد بود که با کمک مستمر دولت اداره می شود و از این حیث مشمول ماده ۵ سابق الذکر خواهد بود. صرف نظر از درستی یا نادرستی تصمیم دادگاه تجدیدنظر در خصوص اختلاس ندانستن عمل مرتکب، به نظر میرسد بهتر بود

این دادگاه به ماهیت رفتار ارتكابی متهم به طور کلی رسیدگی و نسبت به آن اظهار نظر نماید. مطابق ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۱۴: «عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست ...»، نظر دادگاه تجدید چنانچه معتقد به ارتكاب بزه اختلاس توسط کارمند بانک ملت نبود، میتوانست با اجازه حاصل از ماده ۲۸۰ قانون مذکور حداقل متهم را به عنوان یک شخص عادی که اموال بانک نزد وی امانت بوده و خیانت کرده در نظر می‌گرفت و وفق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۱ نامبرده را به اتهام خیانت در امانت و یا حتی تحصیل مال از طریق نامشروع (موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری) محکوم می‌نمود، چرا که اصل تصاحب وجوه توسط متهم محرز و ادله کافی در انتساب بزه از جمله اقرار وی موجود بوده است.

بنابراین، با توجه به اینکه بزه ارتشاء نیز همانند بزه اختلاس نسبت به مامورین به خدمات عمومی در قانون مورد تشریح قرار گرفته، لذا احکام مذکور برای بزه اختلاس عیناً در خصوص بزه ارتشاء نیز جاری است.

۶. نتیجه‌گیری

ظهور و پدیده‌ی فساد مالی و جرایم غیر مجاز بانکی که موجب سرازیر شدن ثروت‌های باد آورده به جیب عده‌ای خاص می‌شود، ضمن آن که سبب ظلم و بی‌عدالتی می‌شود، موجب ایجاد نوعی نابرابری فرصت در میان شهروندان نیز می‌شود. متعاقب تصویب و الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا ۲۰۰۳) و با بررسی تطبیقی بین کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد (۱۳۹۰) می‌توان ملاحظه کرد که اکثر موضوعاتی که در کنوانسیون مریدا بیان شده است مبتنی بر پیشگیری است و موضوعاتی چون تدوین منشور اخلاقی، نظارت بر خریدهای دولتی، گزارش به مردم، مشارکت جامعه، جلوگیری از فساد در بخش خصوصی و ... همه مواردی است که در هر دو سند به آن اشاره شده است. با وجود این موضوعات مشابه می‌توان به این نتیجه رسید که قانون ارتقای سلامت نظام اداری بر اساس کنوانسیون مریدا و تحت تأثیر آن تدوین و به تصویب رسیده است و علت این تأثیرپذیری را از یک طرف باید در این امر جستجو کرد که ایران عضو این کنوانسیون است و اجرای مفاد آن برای اعضا الزامی است و از طرف دیگر برای بهره‌مندی از تسهیلات و کسب وجهه بین‌المللی باید موضوعات مورد توجه در آن را در قوانین خود وارد کند. علاوه بر این، نیاز کشور ما به قوانین این چنینی است که با استفاده از رویکرد پیشگیرانه و با هزینه کمتری به مبارزه با فساد برود. در پاره‌ای موارد قانون ارتقای سلامت نظام اداری، از کنوانسیون پافراتر گذاشته است. بطور مثال می‌توان به تشکیل دادگاه اختصاصی به موجب ماده ۶ این قانون اشاره کرد. به موجب این ماده حکم صادره از دادگاه قطعی است که بر خلاف حقوق دفاعی متهم به نظر می‌رسد. به همین علت در کنوانسیون صحبتی از تأسیس چنین دادگاهی نشده است و به جای آن از تأسیس نهادها و مراجع تخصصی در ماده ۵ و ۳۶ صحبت شده است. از سوی دیگر، در مواردی، این قانون از کنوانسیون عقب مانده و نتوانسته است پا به پای آن حرکت کند. به عنوان مثال می‌توان به میزان اختیاراتی اشاره کرد که در قوانین داخلی به نهادهای غیر دولتی داده شده است. بی‌شک که نقش NG ها در مبارزه با فساد به نسبت نقش آنها در کشورهای دیگر کم‌رنگ‌تر است. در حالیکه اگر اختیارات بیشتری داشتند، می‌توانستند نقش یک ناظر را نسبت به عملکردهای بخش‌های دولتی و خصوصی بازی کنند که این امر باعث کاهش مؤثر فساد می‌شد. بر همین اساس باید به دنبال تشکیل و تقویت نهادهای مدنی آزاد با اختیار طرح دعوا در جامعه باشیم. البته در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به سازمان‌های مردم‌نهاد و اختیارات آنها در زمینه اعلام جرم ارتكابی و شرکت در تمام مراحل دادرسی اشاره شده است. متأسفانه طبق ماده قانونی مذکور، همه

سازمان های مردم نهاد از چنین اختیاری برخوردار نیستند. علاوه بر این، سازمان های مذکور طبق تبصره ۳ ماده ۶۶، باید دارای مجوز باشند و اسامی آنها توسط وزیر دادگستری و وزیر کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد. حال این سؤال مطرح است که با تدوین قانون ارتقای سلامت اداری تحت تأثیر کنوانسیون مریدا، آیا میتوان امیدوی به ریشه کن شدن و یا حداقل کاهش فساد اداری داشت؟ به نظر می رسد که مقابله با فساد اداری و مالی اگرچه به وضع قانون نیازمند است اما بیش از تدوین قانون، تقویت نهادهای مدنی و آزادی های رسانه ای به منظور افشای مفاسد اداری ضروری است. همچنین به نظر می رسد که کوچک شدن دولت و کاهش نظام بروکراسی که در کشور ما بسیار گسترده است، از جمله دیگر پیش شرط هایی است که زمینه فساد اداری و مالی را تا حد زیادی کاهش می دهد.

به عبارت دیگر فساد مالی، جرم مهمی است که در صورت شیوع، ساختار اقتصادی جامعه را مختل می کند؛ به همین دلیل مطالعه در راه کارهای پیشگیری از این جرم و به کارگیری تدابیر لازم در این زمینه، حتی اگر بیشترین هزینه ها را به دنبال داشته باشد، به نفع جامعه و برای بقای آن ضروری است. در واقع برنامه پیش گیری از فساد مالی را از مراحل ابتدایی رشد افراد باید شروع کرد و تا نظارت بر کار دستگاه های اداری و اجرایی توسعه داد. در این زمینه مهم ترین عاملی که در کنار سایر عوامل به نظر می رسد نقش غیر قابل انکار در ارتکاب مصادیق جرم فساد مالی دارد، فقر و عدم کفایت حقوق کارمندان است؛ بنابراین باید در جهت رفع این عامل به طور جدی کوشید. از بین بردن عامل فقر، به عنوان یک عامل جرم زا هم در پیش گیری اجتماعی هم در پیش گیری وضعی و هم در پیش گیری زودرس مورد توجه است. در پیش گیری اجتماعی، فقر به عنوان یک عامل اجتماعی مورد توجه است که به دلیل مشکلات جسمی و روحی که به فرد تحمیل می کند موجب ارتکاب جرایمی چون فساد مالی از سوی او می شود؛ به ویژه توجه به منفعت مالی حاصل از فساد مالی به انگیزه مرتکبان احتمالی فقیر آن برای ارتکاب جرم می افزاید.

در پیشگیری وضعی، فقر کارمندان باید از بین برود تا هزینه ی ارتکاب جرم در نظر آنها بالا جلوه کرده و ارتکاب جرم، جاذبه ی خود را از دست بدهد. در پیشگیری زودرس یا رشدمدار نیز فقر کودک و نوجوان، از یک سو ممکن است والدین او را به جرم کشانده و مانع از آموزش خودکترلی طفل از سوی والدین گردد. از سوی دیگر، اگر والدین طفل درست کار هم باشند به دلیل مشکلات زیاد نمی توانند وقت زیادی را صرف فرزند خود نمایند و حسرت هایی که فقر بر طفل تحمیل می کند، راه پذیرش هنجارهای درست کارانه را در او بسته، او را به سوی کارهایی که بتواند آرزوهایش را برآورده کند می کشاند. درضمن، توجه به پیشگیری کیفری از جرم مذکور در کنار پیشگیری غیرکیفری از آن و قراردادادن ضمانت اجرای مناسب برای پیش گیری از این جرم بسیار مهم و غیر قابل انکار است.

در واقع می توان گفت که سلامت نظام بانکی امروزه یکی از مهم ترین مولفه ها و عناصر تشکیل دهنده نظام اجتماعی- اقتصادی جوامع است که گاه ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی آن ها نیز پیدا می کند. سلامت این نظام، از جمله به معنای فقدان همه مظاهر فساد اداری و مالی در آن است. بارزترین تجلی این فساد، سوء استفاده از وظایف و موقعیت شغلی است که نسبت به کارمندان رده بالا یا رده پایین بانک ها و در فرض عدم رعایت حدود و ثغور قانونی در ایفای وظایف و تعدی از این حدود و ثغور به قصد پیگیری اهداف و مقاصد شخصی مصداق و معنا می یابد. آنچه احتمال این سوء استفاده ها در نظام بانکی را افزایش می دهد، حجم بالای نقدینگی است که روزانه در نظام بانکی از سوی مشتریان و صاحبان حساب به سپرده گذاشته و یا جابجا شده و در گردش قرار می گیرد. هر نظام حقوقی، بالطبع برای تضمین سلامت عملکردها و بیان ایفای وظایف در نظام بانکی به تدابیری متوسل می شود. در این مورد، کنوانسیون مریدا به عنوان یک سند بین المللی بسیار مهم و قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد ایران، ضمن توجه کامل و اکید به بحث فساد اداری و مالی، برنامه هایی را به منظور پیشگیری از وقوع این فساد و مقابله با آن ارائه داده اند. در این منابع حقوقی، سوء استفاده های شغلی، یکی از مهم ترین مصادیق و بلکه مهم ترین مصداق فساد اداری و مالی

قلمداد شده و راهکارهای مختلفی برای پیشگیری از وقوع آن و نیز مبارزه با مرتکبان آن از جمله در نظام بانکی پیشنهاد شده‌اند که بررسی آنها در کنار تدابیری که نظام حقوقی مرتبط در این رابطه پیش گرفته، ضروری به نظر می‌رسد.

مراجع

- باقر زاده، احد، ۱۳۸۸، پولشویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی، تهران، میزان، چاپ دوم.
- حیدری، علی‌مراد، ۱۳۸۲، بررسی پدیده‌های تطهیر پول و هرم‌های بانکی در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای ایران.
- دهقانی زاده، آزاده، برزگر، عبدالرضا، ۱۳۹۵، بسترهای فساد مالی و مصادیق آن در نظام بانکی ایران و راهکارها و روش‌های نوین مبارزه و پیشگیری از آن، سومین همایش بسترهای فساد مالی و اداری در نظام حقوقی ایران با رویکرد اصلاح و توسعه نظام حقوقی، تهران.
- رحمت‌الهی، حسین، ۱۳۸۵، فساد و حکومت، علل و راهکارهای بدون رفت، مجله اندیشه‌های حقوقی شماره ۷.
- زارعی، ژاله، ۱۳۹۷، ضرورت توجه به فساد در بخش بانکی، پنجمین سومین همایش بسترهای فساد مالی و اداری در نظام حقوقی ایران، تهران.
- ساکي، محمدرضا، ۱۳۸۹، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- سلیمی، صادق، ۱۳۸۴، آشنایی با مقررات تطهیر پول و چگونگی مقابله با آن، علوم جنایی: (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقا دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد ۳، انتشارات سلسبیل، چاپ اول.
- شمس‌ناتری، ابراهیم، ۱۳۸۲، سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۹۰، آشنایی با جرم پولشویی، تهران، جاودانه.